

تحلیلی تئوریک از «تحریمهای اقتصادی»

دکتر احمد یزدان پناه

مقدمه:

در پی حمله و اشغال کشور کویت توسط صدام حسین در سال ۱۹۹۰، سازمان ملل جهت جلوگیری از تجاوز عراق و تنبیه بغداد دست به تحریم این کشور زد. در آن سالها در دانشگاه ایالتی آیوا (آمریکا) به تدریس اقتصاد کلان اشتغال داشتم، مؤلفان کتابی که آن را تدریس می‌نمودم هر چند گاهی برای به هنگام شدن مباحث کتاب جزواتی می‌فرستادند که در یکی از آنها در رابطه با اشغال کویت تحلیلهایی در مورد (تحریم اقتصادی) آمده بود که یادداشتهایی از آن را برای شرایط فعلی کشور خودمان مناسب دیدم.

مسلم است ابعاد گوناگون مسئله تحریمها که در این مقاله فقط به بررسی آن از دیدگاه علم اقتصاد و تبعات اقتصادی آن توجه شده است نظر به اهمیتی که دارند تحقیقات عمیق و پرماتنه‌تری را در همه ابعاد طلب می‌نماید و جا دارد که از زوایای دیگر و حتی از همین بعد اقتصادی نیز به طور عمیقتر و مفصلتر مورد توجه و بررسی و اهتمام کارشناسان اقتصادی قرار گیرد.

ریشه‌های تحریم را باید در مذهب و در زمانهای دور جستجو کرد، نه در اقتصاد و عصر حاضر. معنی اصلی و اولیه واژه تحریم که در زبان انگلیسی بدان SANCTION می‌گویند از

نظر ریشه لغت، معادلی چون تقدس و تقوا یا پروا داشتن دارد. بر پایه باورهای مذهبی، بیشتر مذهبیون آفریقا و شمال آمریکا این واژه را برای مواردی که قصد داشتند تهاجمات و جنگها را محدود نمایند به کار می‌بردند. تاریخ جنگهای بشری در مورد این نوع کاربرد واژه تحریم یک نظر مشترک دارد و آن این است که این نوع تحریمها در عمل کارساز نبوده‌اند. برخلاف تحریمهای مذکور تحریمهای جدید، اقتصادی بوده و بر پایه روابط اقتصادی به جای ارزشهای مذهبی بنا شده‌اند.

تحریم اقتصادی چیست؟

تحریم اقتصادی عبارت است از تدابیری قهرآمیز که توسط گروهی از کشورها علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز نموده و یا از معیارهای اخلاقی مقبول، تخطی کرده باشد اعمال می‌شود. هدف تحریم کننده (یا کنندگان) آن است که کشور متخلف را مجبور کنند که دست از اعمال خود بردارد و یا لااقل برای پایان دادن به رفتار غیرقابل قبولش پشت میز مذاکره بشینند.

تحریمهای اقتصادی می‌تواند به سه شیوه

اعمال شود:

الف: تحریم تجاری

ب: تحریم سرمایه‌گذاری

ج: سرمایه‌برداری

تحریم تجاری عبارت است از امتناع از خرید و فروش با کشور خاطی. تحریم سرمایه‌گذاری، یعنی جلوگیری از سرمایه‌گذاری کشور متخلف در کشورهای دیگر و ممانعت از سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر در کشور مذکور. سرمایه‌برداری (Disinvestment) یعنی فروش دارایی‌های موجود در کشور متخلف.

نمونه‌های متعددی از تحریم تجاری در عصر حاضر قابل ارائه است؛ برای مثال در پی تهاجم روسیه سابق به افغانستان در سال ۱۹۷۹ جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا فروش غله و تجهیزات با تکنولوژی بالای آمریکایی را به آن کشور تحریم کرد. او همچنین روسیه را از حق ماهیگیری در آبهای ایالات متحده محروم ساخت. آن زمان کشورهای استرالیا، کانادا و بازار- مشترک اروپا از مواضع آمریکا حمایت کردند.

تحریم سرمایه‌گذاری به اندازه تحریم تجاری متداول نیست؛ بهترین مثال برای یک تحریم سرمایه‌گذاری شاید تحریم سال ۱۹۸۵ از طرف کشورهای آمریکا، کانادا و بازار مشترک اروپا علیه آفریقای جنوبی باشد. این نمونه همچنین بهترین نمونه و مثال برای سرمایه‌برداری را نیز نشان می‌دهد.

کلیساها، دانشگاهها و سایر مؤسسات و

نهادهای و همچنین هزاران نفر در سراسر جهان، دارایی‌های خود را که در آفریقای جنوبی سرمایه‌گذاری کرده بودند در سالهای تحریم به معرض فروش گذاشتند.

درجه موفقیت اعمال تحریم اقتصادی علیه یک کشور، از یک طرف بستگی به میزان علاقه و شرکت‌پذیری تمامی کشورهای درگیر تحریم و از طرف دیگر بستگی به درجه و درصد وابستگی کشور تحریم شده به تجارت جهانی دارد

تحریم علیه آفریقای جنوبی، طولانی‌ترین و جامع و وسیع‌ترین نوع تحریم بوده است که هدف از آن، پایان بخشیدن به سیاست آپارتاید و نژاد پرستی، و برقراری حقوق یکسان برای اکثریت مردم سیاهپوست در مقابل اقلیت سفیدپوستان آفریقای جنوبی بود. مهمترین تازه‌ترین نمونه تاریخی تحریم‌های اقتصادی به تحریم عراق توسط سازمان ملل بر می‌گردد که در پی اشغال کشور کویت توسط آن کشور اعمال گردید.

انگیزه‌های اعمال تحریم چیست؟ تحریمها چگونه عمل می‌کنند؟ اصولاً تحریمها کارساز هستند؟ انگیزه‌ها و عوامل موفقیت و شکست یک تحریم کدام‌اند؟ برای غلبه بر تحریمها همیشه گروهی در تلاش‌اند، بر پایه فایده - هزینه این تلاشها چگونه ارزیابی می‌شود

تحریمهای اقتصادی چگونه عمل می‌کنند؟

تحریم اقتصادی در جستجوی آن است تا به هر نحو ممکن، کشور متخلف را از انجام دادوستدهای بین‌المللی محروم سازد. کشورهایی که علیه کشوری دست به تحریم تجاری می‌زنند، با یکدیگر عهد می‌نمایند که از خرید کالاهای صادراتی کشور مذکور خودداری کرده و از فروش کالاها و خدمات خود به آن کشور نیز جلوگیری نمایند. حتی گامی جلوتر رفته و کشور متخلف را مورد تحریم سرمایه‌گذاری، بدان معنی که در بالا اشاره شده قرار می‌دهند. به دیگر سخن هدف تحریم اقتصادی آن است که یک اقتصاد را از نفع بردن از بازارهای جهانی کالا و خدمات و سرمایه محروم نماید. در واقع قهراً تحریم اقتصادی وضعیتی برای کشور متخلف پدید می‌آورد که او را در حالت خودکفایی قرار می‌دهد. آنها همچنین کشور متخلف را جبراً به قبول سطح پایینی از زندگی در یک اقتصاد منزوی قرار می‌دهند.

درجه موفقیت اعمال تحریم اقتصادی علیه یک کشور، از یک طرف بستگی به میزان علاقه و شرکت‌پذیری تمامی کشورهای درگیر تحریم و از طرف دیگر بستگی به درجه و درصد وابستگی کشور تحریم شده به تجارت جهانی دارد. واضح است که اگر تعداد کمی از کشورها به تحریم کشور مبادرت ورزند و بقیه کشورهای جهان با آنها همدلی و همگامی نمایند آن تحریم موفق نخواهد شد. تازه در صورت توافق

اکثریت کشورها، باز چگونگی برخورد اقتصاد کشور منزوی در رابطه با خودکفایی، یعنی تواناییهای کشور منزوی در بسیج نیروها علیه آن تحریم (جهت غلبه بر آن) نقش حیاتی دارد. کشوری که از منابع غنی و متنوع طبیعی و زیرزمینی برخوردار بوده و صاحب یک نظام کشاورزی منسجم و کارآ باشد، قطعاً در مقابل تحریم اقتصادی از کشوری که فقط صادرات خود را متکی به یک یا دو کالا کرده از وضعیت بهتری برخوردار است.

تحریمهای اقتصادی می‌تواند به سه شیوه؛ تحریم تجاری، تحریم سرمایه‌گذاری، و سرمایه‌برداری اعمال شود

در مورد دو نمونه مهم تاریخ اخیر، یعنی مورد آفریقای جنوبی و عراق، عواملی وجود داشتند که موفقیت تحریم را با عدم اطمینان همراه ساخت. در مورد آفریقای جنوبی، چندین کشور به برنامه تحریم نپیوستند و لذا تحریم اقتصادی نتوانست در یک سطح جهانی اعمال شود. در مورد عراق، جهان تقریباً علیه آن کشور متحد شد. تواناییهای این دو کشور در دید انزوای اقتصادی و از نظر کم و کیف خودکفایی کاملاً متفاوت است. آفریقای جنوبی اقتصادی کاملاً متنوع دارد. در صورتی که عراق تقریباً بطور کامل به نفت و درآمدهای نفتی متکی است؛ برای مثال قبل از اعمال تحریم اقتصادی، - عراق حدود ۸۰ درصد از غذای مصرفی خود

را از خارج وارد می‌کرد. اجازه دهید نگاه کوتاهی به انگیزه‌های تحریم بیفکنیم.

تحریم اقتصادی در جستجوی آن است تا به هر نحو ممکن کشور مستخلف را از انجام دادوستدهای اقتصاد بین‌المللی محروم سازد

انگیزه جلوگیری از اعمال ناپسند

جهت جلوگیری از رفتار ناپسند یک کشور، با توسل به تحریم او را از منتفع شدن از تجارت جهانی محروم و هزینه‌هایی بر او تحمیل می‌نمایند. در مورد عراق این انگیزه از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ زیرا همانطور که اشاره شد اقتصاد کشور مذکور و سطح مصرف کالاهای بی‌شمار وارداتی آن به نفت متکی است، عمده‌ترین اقلام وارداتی عراق شامل: غذا، کالاهای مصرفی و تجهیزات و ادوات نظامی است.

نمودار (۱)، هزینه‌های ناشی از تحریم اقتصادی را که بر عراق تحمیل شده نشان می‌دهد، با به کارگیری و اشتغال تمامی منابع اقتصادی، عراق می‌تواند به تولید نفت یا غذا، کالاهای مصرفی و تجهیزات نظامی در روی منحنی امکانات تولید خود اقدام نماید. عراق با به کارگیری تمامی تجهیزات سرمایه‌ای و تمامی نیروی کار خویش در صنعت نفت خود، می‌تواند یک میلیارد بشکه نفت در سال تولید نماید. از طرف دیگر اگر تمامی عوامل تولید موجود در عراق، برای تولید غذا و سایر

کالاهای مصرفی مردم و تجهیزات نظامی صرف شود، طبق نمودار مذکور آن کشور قادر به تولید ۴۰۰۰ واحد از آن کالاها خواهد بود (در این مثال تولید نفت تقریباً به رقم واقعی آن نزدیک است ولی رقم مربوط به کالاهای مصرفی و غذا و وسایل نظامی فرضی است) عراق تولید خود را بر روی منحنی امکانات تولید، یعنی PPI و یا هر نقطه داخل آن می‌تواند انتخاب نماید. ولی هیچ نقطه‌ای خارج از این منحنی را نمی‌تواند برای تولید برگزیند. در این مثال عراق قبل از اعمال تحریم اقتصادی در نقطه‌ای که مبین تولید یک میلیارد بشکه نفت و تولید ۱۰۰۰ واحد برای سایر کالاها بود قرار داشت.

منافع تجارت بین‌الملل

نکته آن است که اگر تحریمی علیه عراق اعمال نمی‌شد می‌توانست در نقطه‌ای خارج از منحنی امکانات تولید خود، مصرف نماید. این امکان از طریق شرکت در تجارت جهانی بدست می‌آید؛ بدین معنی که عراق با صادرات نفت خود به بازارهای جهانی، با عواید آن، کالاهای مورد نیاز خود را خریداری می‌کرد. منحنی یا خط امکانات تجارت بین‌المللی عراق در نمودار نشان داده شده است؛ مثلاً در این مثال عراق می‌توانست ۲۰۰ میلیون بشکه نفت و ۱۰۰۰۰ واحد از سایر کالاها مصرف نماید. برای دستیابی به چنین سطح مصرفی، عراق می‌بایست تقریباً ۸۰۰ میلیون بشکه نفت را با ۹۰۰۰ واحد از سایر کالاها رد و بدل نماید. با

تولید نفت و فروش آن در بازارهای جهانی و خرید سایر کالاها، عراق بر پایه اصل تخصص در تولید، از منافع تجارت بین‌المللی بهره‌مند شده و می‌توانست مصرف خود را به سطحی در خارج منحنی امکانات تولید کشورش برساند.

آثار تحریم اقتصادی

با تحریم اقتصادی عراق و محروم ساختن آن کشور از تجارت جهانی چه اتفاقی می‌افتد؟ جواب بر پایه اصول تئوریهای اقتصادی آن است که مصرف مردم عراق به سطح منحنی امکانات تولید داخلی آنها محدود می‌شود. اولین اتفاق آن است که عراق مجبور به بستن شیرهای نفت خود بر روی بازارهای جهانی شده و تولید نفت خود را فقط به میزان مصرف داخلی محدود می‌کند. نقطه *a* در نمودار این وضعیت را به نمایش می‌گذارد. در آن نقطه عراق تولید سالانه نفت خود را به ۲۰۰ میلیون بشکه که مصرف داخلی آن کشور است برگشت داده ولی به تولید ۱۰۰۰ واحد از سایر کالاها (یعنی غذا و کالاهای مصرفی و تجهیزات نظامی) یعنی به همان اندازه زمان شروع تحریم می‌تواند ادامه دهد.

در این وضعیت منابع تولید به کار گرفته نشده، اعم از نیروی انسانی و یا تجهیزات سرمایه‌ای مربوط به صنعت نفت، در عراق وجود دارد که بخش عمده آن شامل عواملی هستند که قبلاً در تولید نفت به کار مشغول بوده‌اند، عراق در وضعیت نقطه *a* باقی نمی‌ماند؛ چرا که با به کارگیری نیروها و عوامل

بیکار مذکور، در جهت تولید غذا و سایر مایحتاج مردم، می‌تواند خود را به نقطه *b* برساند. البته این انتقال، وقت لازم دارد که می‌تواند کاملاً طولانی هم باشد، چرا که اولاً، آموزش کارگران بخش صنعت نفت برای اشتغال در سایر بخشها زمان بر است، ثانیاً و مهمتر آنکه به کارگیری تجهیزات سرمایه‌ای در خط تولید کالای دیگر نیازمند زمانی کافی است؛ مثلاً لوله‌ها و امکانات صنعت نفت برای به کارگیری در کشاورزی کاملاً مناسب و مفید نیستند لذا چند سال طول می‌کشد تا این تحولات انجام گیرد. ولی عاقبت عراق با رساندن خود بر روی منحنی امکانات تولید کشورش (یعنی به نقطه *b*) توانسته از تمامی امکانات تولیدی خود بهره برده و مهمتر آنکه در این حالت فقط نفت تولید نمی‌کند، بلکه غذا و سایر کالاهای مورد نیاز خود را نیز تأمین می‌نماید. این مثال درباره عراق هزینه‌هایی را که از بابت قطع روابط تجاری در سطح جهانی و محرومیت از بازار سرمایه بر کشور تحریم اقتصادی شده تحمیل می‌شود را باید نشان داده باشد. ولی از طرف دیگر باید مشخص کرده باشد که در سایه تدبیر و مدیریت درست جامعه و بسیج نیروها، در بلند مدت تحریم اقتصادی، خودکفایی و استقلال اقتصادی را نیز می‌تواند عاید کشور تحریم شده نماید. در مورد عراق از آنجا که بیشتر کالاهای سرمایه‌ای در صنعت نفت، سرمایه‌گذاری شده و نفت هم در اثر تحریم بی‌مشتتری مانده، نرخ بازده سرمایه منفی بوده و صاحبان آنها زیان خواهند کرد و شاید با فروش

و انتقال سرمایه خود به سایر قسمت‌های دنیا بتوانند جلوی ضرر خود را بگیرند. در پایان این قسمت از تجزیه و تحلیل تحریم اقتصادی، این نکته قابل ذکر است که وارد کردن مخارج و هزینه اضافی سنگین به کشور تحریم شده یک طرف سکه است و اینکه آیا فشارها می‌توانند کشور مذکور را به تمکین بکشانشان حرف دیگری است.

انگیزه‌ها و عناصر عدم موفقیت یک تحریم اقتصادی

درست است که اعمال تحریم اقتصادی هزینه‌های سنگینی برای کشور تحریم شده در بر دارد ولی هزینه‌های زیادی نیز برای سایر کشورها به بار می‌آورد. بهره‌مندی از منافع مبادلات بین‌المللی امری دو جانبه است. مردمی که نفت را از عراق وارد می‌کردند به دلیل پرمفعت بودن آن و از طرف دیگر فروشندگان غذا و تجهیزات نظامی و کالاهای مصرفی نیز از رهگذر معامله با عراق سود می‌بردند با قطع رابطه تجاری با عراق همه این گروه‌ها محروم میشوند.

برای روشن شدن بیشتر موضوع، منافع متقابل و دو جانبه حاصل از شرکت در تجارت جهانی توسط نمودار (۲) نشان داده شده است. در نمودار مذکور بازار گندم به عنوان یک غذای اصلی و مهم در عراق به بحث گذاشته شده است. در صورت وضعیت عدم تحریم اقتصادی تعادل بازار گندم طبق معمول در محل تلاقی عرضه (S) و تقاضای (D) اتفاق می‌افتد؛ یعنی در نقطه‌ای که ۵۰۰ رطل گندم هر هفته به قیمت

تعادلی ۳ تومان برای هر رطل خرید و فروش می‌شده است. حال فرض کنیم تحریم اقتصادی موجب شود که میزان گندم دسترس در عراق به سطح تولید داخلی آن، یعنی فرضاً به سطح ۱۰۰ رطل در هر هفته تقلیل پیدا کند. در این سطح از عرضه گندم مردم مایل‌اند دو برابر قیمت تعادلی یا قیمت قبل از تحریم یعنی ۶ تومان برای هر رطل گندم بپردازند.

اعمال تحریم اقتصادی درست است که هزینه‌های سنگینی برای کشور تحریم شده در بر دارد ولی هزینه‌های زیادی برای سایر کشورها نیز به بار می‌آورد زیرا بهره‌مندی از منافع مبادلات بین‌المللی امری دو جانبه است

از طرف دیگر فروشندگان و صادر کنندگان بالقوه گندم به عراق، با توجه به از دست دادن مشتری خود (عراق) حاضرند قیمت گندم را برای جلب مشتریان جدید به قیمتی پایین‌تر از ۳ تومان (فرضاً به رطلی ۲ تومان) بفروشند تفاوت بین قیمت حداکثر که مصرف‌کنندگان گندم حاضرند بپردازند (یعنی ۶ تومان برای هر رطل) و قیمت حداقلی که فروشندگان گندم حاضر به قبول آن هستند (یعنی دو تومان) درآمد بالقوه‌ای است که می‌تواند محرک فعالیتهایی باشد که در جهت ضد تحریم و کم‌رنگ‌تر کردن آن عمل می‌نمایند. این مابه‌التفاوت را نباید سود تلقی کرد؛ چراکه سود قضیه، بستگی به هزینه‌ها، و ریسک‌های گام

برداشتن برخلاف جهت تحریم و مشکلات آن دارد و این درآمد، در واقع یک عدم‌النتفع ناشی از اعمال تحریم اقتصادی است.

اگر تمامی مرزهای کشور تحریم شده به شدت و دقت کنترل شوند تا امکان رد و بدل هر نوع کالا و خدمت از میان برده شود در اینصورت فرصت کسب سود مذکور هم منتفی است. از طرف دیگر اگر راههایی برای انجام معاملات با کشور تحریم شده وجود داشته باشد، امکان ضربه زدن به تحریم اقتصادی عملی است و همین فعالیتها همراه با وحدت و انسجام تدابیر در کشور تحریم شده و عدم توافق و عزم جهانی علیه کشور مزبور، عناصر شکست تحریمها را فراهم می‌آورند.

در قسمت پایانی این نوشته شایسته است به تحلیل دو تن از اساتید دانشگاههای آمریکا یعنی (WASSINK, CARBUOH) که از صاحب‌نظران اقتصادی هستند نیز اشاره کنیم.

نمودار (۳) خلاصه نظرات آنها است: نمودار مذکور آثار صادرات به عراق را بر روی اقتصاد آن کشور و سایر کشورهای دیگر نشان می‌دهد. برای ساده کردن مطلب، فرض کنید که فقط غذا مطرح است و تنها بررسی آثار تحریم بر روی آن مد نظر باشد.

وقتی تجارت آزاد حاکم باشد، دنیا مقدار Q_w واحد غذا تولید و به قیمت P_w برای هر رطل به بازارهای دنیا عرضه می‌کند. در این سطح از قیمت، کشاورزان عراقی مقدار Q_s واحد غذا تولید و مصرف‌کنندگان عراقی هم مقدار Q_d واحد غذا مصرف می‌نمایند که تفاوت آنها

یعنی $Q_d - Q_s$ باید توسط واردات تامین شود. حال فرض کنید بقیه دنیا به یک تحریم کامل صادرات غذا علیه عراق اقدام نماید. با قطع واردات مواد غذایی به عراق، قیمت غذا در آن کشور بالا رفته و به سطح P_1 می‌رسد و مصرف غذا نیز به سطح q افت می‌نماید و در ضمن تولید نیز به همین سطح بالا می‌رود. به طور متوسط در این سازوکارها مصرف‌کنندگان عراقی سود می‌کنند.

با منع صدور گندم به عراق، توسط کشورهای جهان، قیمت جهانی گندم پایین آمده و به سطح P_w می‌رسد در نتیجه گندم کاران صادرکننده به عراق مقداری از درآمد خود را از دست می‌دهند. تحریم سازمان ملل متحد علیه عراق پیامدهای کوتاه مدت و بلند خاص خود را به همراه خواهد داشت؛ مثلاً شاید عراق را به جیره‌بندی غذا مجبور نماید که اقلامی از غذا که وابستگی بیشتری دارند بیشتر در معرض جیره‌بندی هستند.

تحریم بلند مدت آمریکا علیه عراق به منزله آن است که از صنعتی شدن آن کشور و در نتیجه بصورت یک قدرت منطقه‌ای درآمدن آن جلوگیری نماید. با تحریم نفتی، قصد آن است که منابع مالی آن کشور تهی شده تا با توقف سازندگیهای زیربنایی (مانند: سدسازیها، نیروگاهها و صنایع پتروشیمی و کود و سم) اهداف بالا تحقق پذیرد و از طرف دیگر، با محروم سازی عراق از تهیه قطعات یدکی و به کارگیری نیروی ماهر و متخصص خارجی، قصد آن است که با اُفت مصنوعات کارخانه‌ای و

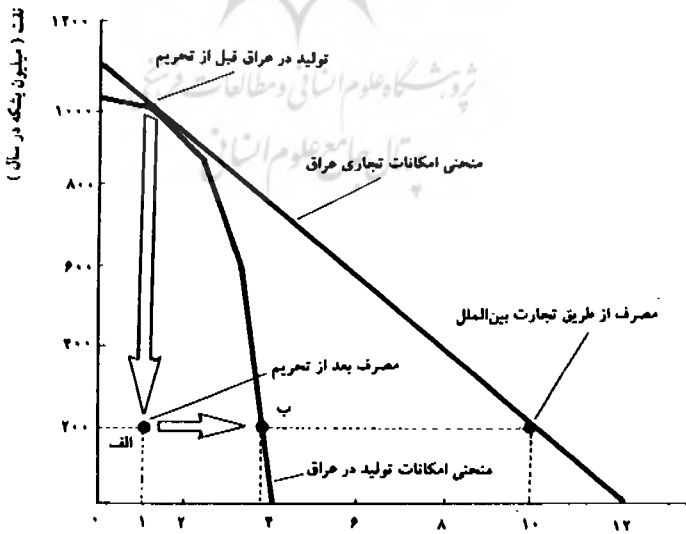
عجز صنعتی مواجهه شود.

مسئله قاچاق کالاها به عراق و گم و کیف روابط آن کشور با همسایگان خود، بر موفقیت و عدم موفقیت تحریم مذکور مؤثر خواهد بود. با قطع صادرات نفت عراق و کویت حدود ۵ میلیون بشکه در روز از عرضه جهانی نفت کاسته شد که باعث بالا رفتن قیمت نفت گردید. در فاصله اوت تا اکتبر ۱۹۹۰ قیمت نفت از ۱۸ دلار به رقم ۴۰ دلار در هر بشکه رسید. البته با اعلام افزایش تولید سایر تولیدکنندگان، این قیمت بعداً کاهش یافت. کشورهای طرف قرارداد تجاری عراق نیز متحمل خسارت عمده‌ای شدند؛ برای مثال برآورد شده بود که ضرر و زیان ترکیه از تحریم اقتصادی عراق چیزی حدود ۲/۷ میلیارد دلار باشد. آردن نیز هر چند حجم مبادلات تجاریش با عراق، از ترکیه کمتر بود ولی به علت وابستگی بیشتر به عراق

زیان بیشتری را متحمل شد.

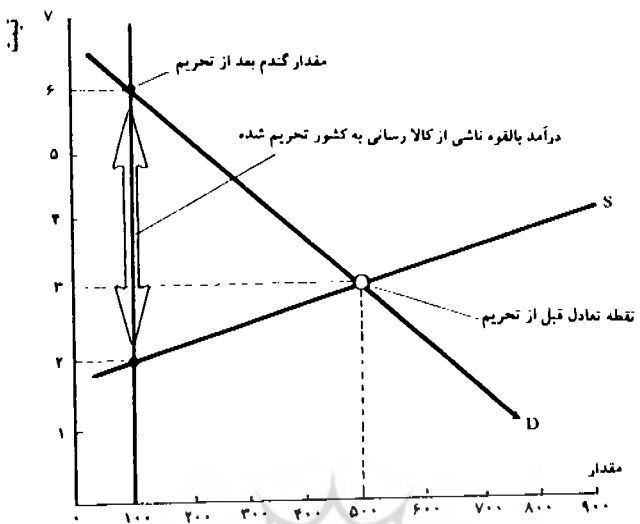
بیشتر تحلیل‌گران برای شکست عراق زمانی بین سه ماه تا دو سال را پیش‌بینی کرده بودند، ولی تحریم عراق همچون هر تحریم اقتصادی دیگر نشان داد که اولاً با به کارگیری درست از منابع تولید و سازمان دهی جدید تولید (مثلاً کشت بیشتر سیب زمینی به جای برنج وارداتی) و ثانیاً با کنترل مصرف (از جیره‌بندی گرفته تا تغییر الگوی مصرف به عنوان یک سیاست بلند مدتی) می‌توان از تحریم اقتصادی، تغییر ساختاری اقتصادی را بدست آورد، و بالاخره نظر آن دو کارشناس آن است که خود کاخ سفید نیز همه امید خود را به آثار بلند مدت تحریم بسته بود و می‌دانست که تحریمهای اقتصادی ضرر وارد می‌کند ولی نمی‌تواند کشوری را از پا درآورده و تسلیم کند.

نمودار (۱) - امکانات مصرف در یک کشور تحریم اقتصادی شده



هژدا، کالاهای مصرفی و تجهیزات نظامی

نمودار (۲) - سود بالقوه ناشی از تجارت با کشور تحریم اقتصادی شده



نمودار (۳) - آثار تحریم اقتصادی

